

قطعه

کهن ترین سیستم برنامه‌ای ایده آلیسم آلمانی

گئورگ ویلهلم فردریش هگل

محمود عبادیان

Hegel, Georg Wilhelm Friedrich, *Das Atkeste Systempogramm des deutschen Idealismus*, Werke 1, Suhrkamp taschenbuch Wissenschaft, Frankfurt 1971, s. 234-235.

من اینک معتقد شده‌ام که عالی ترین کنش عقل - عقلی که همه چیز را دربرمی گیرد - کنش زیباشناختی است، این که حقیقت و خیر تنها در زیبایی مناسبت پیدا می کنند. فیلسوف باید از همان اندازه نیروی زیباشناختی برخوردار باشد که شاعر. مردمان بدون حس زیباشناختی فیلسوفان بی مسمایند. فلسفه روح، یک فلسفه زیباشناختی است. بدون حس زیباشناسی نمی توان نکته سنج بود، حتی نمی توان نسبت به تاریخ استدلال نکته سنجانه کرد. این از آن رو گفته شد که روشن شود مردم در فقدان چه هستند؛ مردمانی که هیچ ایده را نمی فهمند، صمیمانه اذعان دارند که تا امر از ارقام و اسناد فرامی رود، همه چیز برای آنها تیره می گردد. اینجا است که شعر منزلت متعالی می یابد، بار دیگر سرانجام همان چیزی می شود که در اصل بود - آموزگار مردمان. چه، دیگر فلسفه وجود ندارد، تاریخ وجود ندارد، تنها هنر شاعری است که پس از هرگونه علوم و هنر به جا می ماند.

در ضمن اغلب می شنویم که توده مردم باید یک دین محسوس دارا باشند. نه تنها توده مردم، که فیلسوف نیز بدان نیازمند است. در عقل و دل ستایش خدای واحد، در نیروی تخیل و هنر ستایش چندین خدایی - این است آنچه بدان نیازمندیم.

در اینجا می خواهم از ایده ای سخن بگویم که به باور من هیچ انسانی آن را احساس نکرده است - باید خواستار یک اسطوره نو باشیم؛ اما آن میتولوژی باید در خدمت ایده ها باشد، باید یک میتولوژی عقل بشود. پیش از آن که ما ایده ها را زیباشناختی، یعنی اسطوره ای کنیم، علاقه ای برای مردم ایجاد نمی کنند؛ و برعکس، پیش از آن که میتولوژی عقلانی بشود، فیلسوف جا دارد که شرمگین باشد. بنابراین، سرانجام باید

روشنگری شده و روشنگری نشده دست به هم دهند، میتولوژی باید فلسفی شود، و مردم عقلانی. فلسفه باید میتولوژی شود تا فیلسوفان را حسی کند. آنگاه وحدت سرمدی در میان ما حکمفرما می شود، دیگر نظر تحقیرآمیز به مردم افکنده نمی شود؛ آنگاه مردم دیگر در پیش روی فرزندان و کشیشان از ترس کور نمی لرزند. آنگاه پرورش برابر تمام نیروها در انتظار همه ماست، نیروهای فرد و نیروهای افراد. هیچ نیروی دیگر سرکوب نمی شود. آنگاه آزادی و برابری بر تمام روح ها چیره می شود! - یک روح متعالی به زیر آمده از آسمان باید این دین را در میان ما رواج دهد؛ این روح برجسته ترین اثر نهایی بشریت خواهد بود.



راهنمای روشی و میتولوژی و فلسفه
نالیله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Hegel, Georg Wilhelm Friedrich, (1770-1831)
der deutschen Idealismus, Werke I, Stuttgart, Teubner, 1971, S. 232
پرتال جامع علوم انسانی

روشنگری شده و روشنگری نشده دست به هم دهند، میتولوژی باید فلسفی شود، و مردم عقلانی. فلسفه باید میتولوژی شود تا فیلسوفان را حسی کند. آنگاه وحدت سرمدی در میان ما حکمفرما می شود، دیگر نظر تحقیرآمیز به مردم افکنده نمی شود؛ آنگاه مردم دیگر در پیش روی فرزندان و کشیشان از ترس کور نمی لرزند. آنگاه پرورش برابر تمام نیروها در انتظار همه ماست، نیروهای فرد و نیروهای افراد. هیچ نیروی دیگر سرکوب نمی شود. آنگاه آزادی و برابری بر تمام روح ها چیره می شود! - یک روح متعالی به زیر آمده از آسمان باید این دین را در میان ما رواج دهد؛ این روح برجسته ترین اثر نهایی بشریت خواهد بود.